



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۰۷

یونس نگاه

چرا عریان و تلخ می نویسم؟

آدم مقداری موفقیت و توانایی دارد و دیگر سراپا تقصیر است، از اینرو چشمپوشی از عیوب قاعده مهم زندهگی اجتماعی است. همینطور جامعه در هر مقطعی از تاریخش بسیار کمبود دارد، و باز هم این قاعده نانوشته را داریم که تا حد ممکن به کمبودها کمتر و به قوتها بیشتر توجه کنیم. در غیر آن کاری از پیش نمی رود، توافقی بدست نمی آید و نزاعها حل و فصل نمی شوند.

کسی را بسیار دوست داریم که می دانیم از ضعف ما آگاه است، ولی آن را فراموش کرده به نقطه قوت ما می پردازد؛ از خطای ما آگاه است اما به توانایی ما در جبران خطا ارج می گذارد و امید می بندد.

اما این قاعده همیشه و برای تمام کمبودها و نقایص فردی یا اجتماعی عملی نیست. مثلاً اگر روزی دامن یکی را باد بالا بزند و زیر نافش معلوم شود، ناظر هوشیار آن را نادیده می گیرد و حتی عمداً می کوشد به طرف بفهماند که بادی نوزیده، دامنی بالا نشده و اگر شده هم او ندیده و حتی اگر دیده هم فراموش کرده است! ولی اگر آن یکی به هر دلیل لقلوچ شود و در میدان عمومی عریان بیافتد، دیگر دوست نیکو وظیفه اش چشمپوشی نیست، بلکه باز هم قاعده زندهگی اجتماعی حکم می کند که به برهنگی او توجه شود، اطرافیان او را به برهنگی اش آگاه سازند و برای پوشاندن تن عریان او در پی چاره ای گردند. گام اول چارهجویی اعتراف به عریانی است.

من نیز مثل خیلی از شما وطندوستان از کمبودهای جامعه، وطنداران و مردم از سر شوق یا بیکاری و بیماری نمی نویسم. مرور تلخ خاطرات جمعی برای من نیز مثل شما تلخ است و گاه گلویم را پر از عقده و سینه ام را تنگ می سازد. از برشمردن نقاط ضعف جامعه هزاره و تاجیک- حتی اگر عامل اصلی آن ضعفها لمپن ها، قومندانها، خارجیان و حاکمان متجاوز باشند- احساس کوچکی و سرافکندگی می کنم. هنگام برشمردن کمبودها و ضعفهای جامعه از بیک و دیگران نیز عمیقاً احساس درد و درماندگی می کنم. هنگام گفتن این که طالبان و جهادگرایی برای مردم پشتون ما هزینه های بسیار داشته و پس از این نیز قربانی های زیاد خواهد گرفت، مثل خیلی از شما نگرانی و اندوه عمیق بر قلب ام تیغ می کشد.

نوشتن از این چیزها شوخی نیست. عواقب نوشته هایم را به تجربه و طی چند دهه تکرار و تمرین تاحدودی درک می کنم و می دانم چطور انگشت گذاشتن به ضعفهایی که معمولاً انکار می شود یا با کنایه و مجاز از آنها سخن می رود، برای خیلی از خواننده گان تلخ تمام می شود. و تلخی صرف کام هیچ کسی را بهسود خود و وظیفه ام نمی دانم، مگر آن که امیدی از اثرات مثبت آن تلخی باشد. از نوشتن جملاتی که عده ای از شما را می آزارد، لذت نمی برم و بر قواعد ابتدایی اجتماعی که در بالا ذکر کردم آگاه ام.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

تلخی که از خواندن نوشته‌های من شاید احساس کنید، از زهر عقده و یا بیماری نویسنده نیست، بلکه از زشتی روزگاریست که گرفتار شده‌ایم. اکنون هنگام درست جان‌جان گفتن نیست، زمان مناسب برشمردن قوت‌ها و کمربستن برای چشمپوشی‌ها نیست. وقت اعتراف به کمبودهاست، وقت انگشت گذاشتن به عریانی شرم‌آور جمعی ماست. سر هر فرصت باید به همدیگر یادآور شویم که تنبان امنیت به تن نداریم، کلاه سیاست از سر ما افتاده، پستان‌بند و شرت فرهنگ و جوراب اقتصاد ما برباد رفته است. لچ لچ در عرصه‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ افتاده‌ایم. نوشتن از این چیزها تفریح نیست. از آدم انرژی و سرزندگی را می‌گیرد و زود پیر می‌کند. برای آدم دشمن می‌خرد، عرصه زنده‌گی را در وطن، دور از وطن و حتی در حلقه‌های نزدیک دوستان و اقارب می‌تواند تنگ کند. هرگاه کام تان از خواندن نوشته‌هایم تلخ می‌شود، فراموش نکنید که کام من تلخ‌تر است. رنج شما برایم شیرینی و لذت نمی‌آورد. دوست تان دارم و پنداران ستمکشیده و دریدرم. تلخ‌گویی‌ها را وظیفه‌ای برای ادای حق هم‌سرنوشتی و وطنداری می‌دانم.

[آرشیف: نو پسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین](#)

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ